احكام و تعاليم فردى - نهی از روابط جنسی بين دو نفر هم جنس

حضرت بهاءالله



**نهی از روابط جنسی بین دو نفر هم جنس**

**حضرت بهاءالله:**

1 - " قد حرّمت عليكم أزواج ابآئكم إنّا نستحي أن نذكر حكم الغلمان اتّقوا الرّحمن يا ملأ الإمكان ولا ترتكبوا ما نهيتم عنه في اللّوح ولا تكونوا في هيمآء الشّهوات من الهآئمين " (كتاب اقدس – بند 107)

2 – " سؤال : از حدّ زنا و لواط و سارق و مقادير آن.

جواب : تعيين مقادير حد به بيت العدل راجع است " (رساله سؤال و جواب، 49)

3 - " قد حرّم عليکم الزّنا واللّواط والخيانة أن اجتنبوا يا معشر المقبلين . تاللّه قد خلقتم لتطهير العالم عن رجس الهوی هذا ما يأمرکم به مولی الوری إن أنتم من العارفين . من ينسب نفسه إلی الرّحمن ويرتکب ما عمل به الشّيطان إنّه ليس منّي يشهد بذلک کلّ النّواة والحصاة وکلّ الأشجار والأثمار وعن ورائها هذا اللّسان النّاطق الصّادق الأمين "

(ص ٩-٢٣٨ گنجينه حدود و احکام و با دو تفاوت در ص ٤-٥١٣ج ٢ امر و خلق و ص 90 الحياة البهائية)

**بیت العدل:**

1 - " مقصود از کلمه غلمان در اين مورد رابطه جنسی شخص مذکّر با پسران است . حضرت وليّ امراللّه در تبيين اين حکم فرموده‌اند که مراد تحريم همه نوع روابط جنسی بين افراد هم جنس است . روابط جنسی بر حسب تعاليم بهائی منحصراً در ظلّ ازدواج حلّيّت دارد و بنيان جامعه بشری بر آن استوار است و مقصد از اين تعاليم مبارکه حمايت و تقويت آن اساس الهی است . بنا بر اين شريعت بهائی روابط جنسی را فقط بين زن و مردی که با يکديگر ازدواج نموده باشند مشروع می شمارد . در توقيعی که حسب الامر حضرت وليّ امراللّه تحرير يافته چنين مذکور است : هر قدر عشق و محبّت بين دو هم جنس شديد و خالص باشد ، اگر به روابط جنسی منجر گردد نادرست و خطا است و اگر گفته شود که اين روابط کمال مطلوب عشق و محبّت است چنين ادّعائی عذری است نامقبول . حضرت بهاءاللّه هر نوع انحراف و فساد اخلاقی را به کلّی تحريم فرموده‌اند و نيز رابطه نامشروع بين دو هم جنس را علاوه بر آنکه بر خلاف قانون طبيعت است از انحرافات اخلاقی محسوب فرموده‌اند . ابتلا به چنين بليّه‌ای ثقلی عظيم بر روح هر فرد با وجدانی تحميل می کند ، امّا نفوس مبتلا قادرند که با مشاوره و مساعدت اطبّاء و اراده و سعی راسخ و دعا و مناجات بر اين ضعف و مشکل فايق آيند . (ترجمه) حضرت بهاءاللّه تعيين مقادير حد زنا و لواط را به بيت العدل اعظم محوّل فرموده‌اند (سؤال و جواب ، فقره ٤٩) " (كتاب اقدس – شرح 134)